

مجمع عرفان

دوره یکصد و دهم

گلگشتی در مبادی معتقدات

و

آثار مبارکه بهائی



۲۳ تا ۲۹ جون ۲۰۱۲

مرکز مطالعات بهائی

آکوتو، ایتالیا

مجمع عرفان

تشکیل مجمع عرفان به منظور ترویج و تقویت مطالعه و تحقیق در آثار مقدسه ادیان الهی و اصول معتقدات بهائی در سال ۱۹۹۳ آغاز شد. این مجمع همه ساله به طور جداگانه به زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی در اروپا (ایتالیا و آلمان) و در آمریکای شمالی (در مدرسه بهائی لوهلن در ایالت میشیگان و در مدرسه بهائی بوش در ایالت کالیفرنیا) برگزار می شود. برنامه جلسات مجمع عرفان شامل سخنرانی ها و ارائه مقالات تحقیقی، مطالعه تفصیلی و تحلیلی آثار مبارکه بهائی، بحث و مشورت، برنامه ریزی و همکاری در مطالعات امری و استفاده از نغمات موسیقی و آواز و نمایش فیلم است. مقالات تحقیقی که در مجمع عرفان (به فارسی) ارائه می شود؛ در دفترهای سفینه عرفان درج و نشر می شود. سفینه عرفان هم چنین محتوی الواحی است که قبلاً طبع و نشر نشده و منابع و مراجعی است برای مطالعات امری.

برای کسب اطلاع در باره هدفها، برنامه ها و انتشارات مجمع عرفان به تازنمای www.irfancolloquia.org رجوع کنید.

سپاس‌گزاری

یک‌صد و دهمین دورهٔ مجمع عرفان

تحت توجّهات محفل روحانی ملّی بهائیان ایتالیا
و محفل روحانی ملّی بهائیان امریکا
توسط
صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند

و با مساعدت :

صندوق پژوهش‌یاری نادیا سعادت
و تبرّع اهدایی به یادبود نورالدین ممتازی

Irfán Colloquium
www.IrfanColloquia.org
Bahá'í National Center / PAAO
1233 Central Street
Evanston, IL 60201-1611, USA
Tel: (847) 733-3501
Fax : (847) 733-3527
E.Mail: contact@irfancolloquium.org

۲۳ تا ۲۹ جون ۲۰۱۲
در مرکز مطالعات بهائی در اکوتو، ایتالیا
برگزار می‌شود

طوبی لمن تفکر فی ما نزل فی کتاب الله المہینم القیوم

مجمع عرفان

دورة یک صد و دهم

۲۳ جولای تا ۲۹ جون ۲۰۱۲
مرکز مطالعات بهائی، اکوتو، ایتالیا

شنبه ۲۳ جون ۲۰۱۲

بعد از ظهر ورود و نام نویسی

شام ۱۸:۰۰

آغاز برنامه

تلاوت مناجات و آثار مبارکه ۲۰:۰۰

خوش آمد و معرفی تسهیلات مدرسه و اعلانات عمومی ۲۰:۳۰

معرفی شرکت کنندگان ۲۰:۴۵

برنامه های مجمع عرفان ۲۱:۰۰ ایرج ایمن

بزم عرفان ۲۱:۳۰

کتاب فروشی و کافه ۲۲:۰۰

یک شنبه ۲۴ می ۲۰۱۲

مشرق الاذکار ۷:۳۰

صبحانه ۸:۰۰

نیایش و اعلانات ۹:۰۰

بدیع اول در امر بابی ۹:۱۵

(به مناسبت دوستمین سالگرد تولد جناب باب الباب) فاروق ایزدی نیا

فروشنندگان انتشارات مجمع عرفان

Bahá'í Distribution Service (BDS)

415 Linden Ave., Wilmette, IL 60091-2886, USA

Tel.: (847) 425-7950 Fax: (847) 425-7951

E-mail: BDS@usbnc.org

Bosch Bahá'í School, Bookshop

500 Comstock Lane, Santa Cruz, CA 95060-9677

Tel.: (831) 423-3387 Fax: (831) 423-7564

E-mail: bosch@usbnc.org

Bahá'í Verlag (For German Publications)

Eppsteiner Str. 89, D - 65719, Hofheim, Germany

Tel: (49) 6192-22921 Fax: (49)6192-22936

E-mail: office@bahai-verlag.de

Reyhani Verlag

Benzweg 4, 64293 Darmsstadt, Germany

Tel: 49-6151-95170 Fax: 49-6151-9517299

E-Mail: druck@reyhani.de

انتشارات مجمع عرفان

سفینه عرفان، مطالعاتی در اصول معتقدات و آثار مبارکه بهائی
دفتر اول تا دفتر چهاردهم، ۱۹۹۸ - ۲۰۱۱

Moojan. Momen (ed.), *Scripture and Revelation* (Oxford: George Ronald, 1997)

Moojan Momen (ed.), *The Bahá'í Faith and the World Religions* (Oxford: George Ronald, 2005)

Iraj Ayman (ed.), *The Lights of 'Irfán*, Books One to Twelve, 2000 - 2011.

Farah Dustdar (ed.), *Beiträge des 'Irfán – Kolloquiums: Compilations of Papers Presented at 'Irfán Colloquia* (in German) Books one to Five, 2004 - 2010

Maryam Afshar, *Images of Christ in the Writings of 'Abdu'l-Bahá*, 2004

Wolfgang Klebel, *Revelation of Unity, Unity of Revelation*, (reyhani Verlag, 2009)

Vahid Rafati, *A'ftab A'mad Dalili – i A'ftab*, The proof of the Sun is the Sun, (Reyhani Verlag, 2010)

ژیلا شهریاری

ایرج ایمن

نگار صلاحی فر

شاپور راسخ

فاروق ایزدی نیا

۱۰: ۰۰ بحث و طرح سؤالات

۱۰: ۳۰ تنفس

۱۱: ۰۰ موسیقی

۱۱: ۱۵ تعبیری از لوح مبارک حوریه

۱۲: ۰۰ بحث و طرح سؤالات

۱۲: ۳۰ ناهار

۱۴: ۰۰ وقت آزاد و استراحت (کتاب فروشی باز است)

۱۵: ۳۰ توصیۀ اصول وحدت و تعمیم بین المللی در تعلیم و تربیت

در خطابات حضرت عبدالبهاء

۱۶: ۴۰ تنفس

۱۷: ۱۰ موسیقی

۱۷: ۲۵ محکمه کبری

۱۸: ۰۰ بحث و طرح سؤالات

۱۸: ۳۰ شام

۲۰: ۳۰ بزم عرفان

۲۱: ۳۰ کتاب فروشی و کافه

دوشنبه ۲۵ جون ۲۰۱۲

۷: ۳۰ مشرق الاذکار

۸: ۰۰ صبحانه

۹: ۰۰ مناجات شروع و اعلانات

۹: ۱۵ مؤسسه ایادی امرالله و خدمات جناب ابن ابهر

۱۰: ۰۰ بحث و طرح سؤالات

۱۰: ۳۰ تنفس

۱۱: ۰۰ موسیقی

۱۱: ۱۵ سکوت قلم

۱۲: ۰۰ بحث و طرح سؤالات

	ناهار	۱۲: ۳۰
	وقت آزاد و استراحت (کتاب فروشی باز است)	۱۴: ۰۰
امید نیکویی	تأملی بر «تلاوت آیات به احسن الالحن»	۱۵: ۳۰
	تنفس	۱۶: ۱۰
	موسیقی	۱۶: ۴۰
شاپور راسخ	مروری بر مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب	۱۷: ۰۰
	ابن ابهر ایادی امرالله	
	بحث و طرح سؤالات	۱۷: ۴۰
	شام	۱۸: ۰۰
	بزم عرفان	۲۰: ۰۰
	کتاب فروشی و کافه	۲۱: ۰۰

سه شنبه ۲۶ جون ۲۰۱۱

	مشرق الاذکار	۷: ۳۰
	صبحانه	۸: ۰۰
	نیایش و اعلانات	۹: ۰۰
شاپور راسخ	مقدمه ای بر مطالعه توقیعات حضرت ولی امرالله	۹: ۱۵
	بحث و طرح سؤالات	۱۰: ۰۰
	تنفس	۱۰: ۳۰
ناصر نبیلی	مفهوم محبت از دیدگاه حضرت عبدالبهاء	۱۱: ۰۰
	بحث و طرح سؤالات	۱۲: ۰۰
	ناهار	۱۲: ۳۰
	وقت آزاد و گردش در شهر	۱۴: ۰۰
	شام	۱۸: ۳۰
	بزم عرفان	۲۰: ۳۰
	کتاب فروشی و کافه	۲۱: ۳۰

مشرق‌الاذکار	۷: ۳۰
صبحانه	۸: ۰۰
نیایش واعلانات	۹: ۰۰
مروری بر الواح صادر از قلم اعلیٰ به افتخار ابن ابهر ایادی وحید رأفتی امرالله (۱)	۹: ۱۵
بحث و طرح سؤالات	۱۰: ۰۰
تنفس	۱۰: ۳۰
موسیقی	۱۱: ۰۰
مروری بر الواح صادر از قلم اعلیٰ به افتخار ابن ابهر ایادی وحید رأفتی امرالله (۲)	۱۱: ۱۵
بحث و طرح سؤالات	۱۲: ۰۰
ناهار	۱۲: ۳۰
وقت آزاد واستراحت (کتاب فروشی باز است)	۱۴: ۰۰
نقش دین در رشد و ترقی تمدن در آثار حضرت عبدالبهاء رامین وصلی	۱۵: ۳۰
بحث و طرح سؤالات	۱۶: ۱۰
تنفس	۱۶: ۴۰
موسیقی	۱۷: ۱۰
مفهوم اصطلاح بیان در آثار حضرت باب ولی الله کفاشی	۱۷: ۲۵
بحث و طرح سؤالات	۱۸: ۰۰
شام	۱۸: ۳۰
بزم عرفان	۲۰: ۳۰
کتاب فروشی و کافه	۲۱: ۳۰

مشرق‌الاذکار	۷: ۳۰
صبحانه	۸: ۰۰

یادداشت

	نیایش و اعلانات	۹:۰۰
وحید رافتی	پیوستگی و گسستگی دین بهائی و فلسفه اشراق	۹:۱۵
	بحث و طرح سؤالات	۱۰:۰۰
	تنفس	۱۰:۳۰
	موسیقی	۱۱:۰۰
فاروق ایزدی نیا	کنز اخفی	۱۱:۱۵
	بحث و طرح سؤالات	۱۲:۰۰
	ناهار	۱۲:۳۰
	وقت آزاد و استراحت (کتاب فروشی باز است)	۱۴:۰۰
ناصر نبیلی	شیوه‌های استدلال در آثار حضرت عبدالبهاء	۱۵:۳۰
	بحث و طرح سؤالات	۱۶:۱۰
	تنفس	۱۶:۴۰
	موسیقی	۱۷:۱۰
رامین وصلی	چرا حضرت عبدالبهاء به غرب سفر کردند	۱۷:۲۵
	بحث و طرح سؤالات	۱۸:۰۰
	شام	۱۸:۳۰
	بزم عرفان	۲۰:۳۰
	جلسه پایانی	۲۱:۳۰
	پایان برنامه	

معرفی اجمالی موضوع سخنرانی‌ها
به ترتیب حروف الفبایی نام
خانوادگی سخنرانان

فاروق ایزدی نیا

آیا ظهوری که به نصّ مبارک حضرت بهاءالله هر پانصد هزار سال یک بار واقع می‌شود، همانند سایر ظهورات الهیه است؟ آیا ظهوری که در زمان بلوغ اهل عالم رخ داده، دیانتی مشابه سایر ادیان در سلسله ادیان جهان است؟ آیا مظهر ظهور در این دور مقدّس، پیامبری همانند سایر انبیاء عظام در ادوار سالفه است؟

در این مبحث، سعی می‌شود با توجّه به بشارات ادوار گذشته به ظهور عظیمی که در زمان آخر واقع خواهد شد و نیز با اشارات و تصریحات نفس مبارک مظهر ظهور الهی و مبین آیات الهی عظمت این ظهور و تفاوت آن با مظاهر مقدّسه ظهورات ماضیه بررسی شود.

از آن جا که این موضوع به غایت حسّاس و بحث‌انگیز است و تبیین و عرفانش خارج از ادراک نوع بشر است، مطالبی که عرضه می‌شود صرفاً با استناد گسترده به آثار قلم اعلیٰ تدوین شده و اگر در جایی نیاز به تفسیر داشته، از آثار دو مبین آیات استفاده شده است.

تقسیم‌بندی زمان از بدایت ولادت مدنیّت نوع بشر در هنگام بعث حضرت آدم و پدید آمدن کور آن حضرت تا دوران بلوغ نوع بشر به ده مرحله توسط حضرت ولیّ امرالله، که مرحله اوّل آن از آدم تا خاتم است، فی نفسه گویای عظمت این دور مبارک است. شاید به جرأت بتوان گفت که آن مرحله، مقدمه و دوران آمادگی نوع بشر برای این ظهور عظیم بوده تا کنز اخفی، که در حدیث ذکر شده،

در این عالم ظاهر شود و نوع بشر را به مقام والای خود، یعنی مقام عظیم انسان، آگاه کند و برساند.

بدیع اَوَّل دور بابی

(به مناسبت دوستمین سالگرد تولد جناب باب‌الباب)

فاروق ایزدی‌نیا

در این دور مفخّم معلوم و مشهود شده است که مظهر ظهور الهی قائم مقام ذات حقّ در عالم امر و خلق است و بنابراین قدرت خلاقیت دارد و البتّه اَوَّل خلق او را بدیع اَوَّل می‌نامند هم‌چنان که حضرت بهاء‌الله، آدم را «بدیع اَوَّل» لقب داده‌اند.

مقام جناب باب‌الباب در آثار مبارکه «بدیع اَوَّل» دور بابی ذکر شده و این فی نفسه گویای مقام عظیم ایشان است. اگرچه جناب ملاحسین بشرویی، بنا بر گفته خودشان، مدّتی با مظهر ظهور محاجّه کردند و دلیل و برهان طلبیدند، امّا اولین نفسی بودند که بنا بر اراده الهیه در آن زمان تنها کسی بودند که آمادگی استماع کلام مظهر ظهور در اعلام بدایت دور جدید را داشتند و مظهر ظهور الهی را شناختند و به امرش اقبال نمودند و کاری سترگ را انجام دادند و خضوع و خشوع آن حضرت در تاریخ امر مشهود و در آثار مبارکه مصرّح است. تحوّل که بعد از ایمان به حضرت ربّ اعلی در ایشان به وجود آمد گویای ارتقاء ایشان به سماوات علیّی است. شهادت حضرت بهاء‌الله در حقّ ایشان که عنایات الهی

تحقیق و پژوهش پوشیده نیست که تعارض و تقابل شرق و غرب، داستانی دیرینه و دو هزار و پانصد ساله است.

در این مقاله می‌کوشیم تا نشان دهیم که سفر حضرت عبدالبهاء به غرب از نظر تاریخ تمدّن بشری یک سفرتاریخی برای پایان بخشیدن به یک تقابل و تعارض دو هزار ساله بین شرق و غرب بود. این مقاله به سه بخش تقسیم می‌شود. در بخش اَوَّل به تاریخ روابط شرق و غرب از یونان باستان تا اوایل قرن بیستم یعنی زمان سفر حضرت عبدالبهاء می‌پردازیم تا اهمّیت و عظمت سفر عبدالبهاء به غرب بهتر مشخص شود. در بخش دوّم گفتگوی حضرت عبدالبهاء با اندیشه‌های دینی و فلسفی دو هزار و پانصد ساله بررسی می‌شود. در پایان، در بخش سوّم، فلسفه و علّت سفر ایشان به غرب بحث خواهد شد.

نازل از قلم حضرت اعلیٰ خاصّ «أول من آمن و معدودی دیگر» بوده و دیگران بالتبع از آن عنایات برخوردار شده‌اند، مقام عظیم ایشان را تصریح می‌کند. شایان توجه است که حضرت نقطهٔ اولی مقام و مرتبهٔ بایت را که خود دارا بودند به ایشان تفویض نمودند.

در این مطلب، غیر از اشارتی جزئی موضوعات تاریخی مطرح نیست، بلکه به مناسبت و در تجلیل دویستمین سالگرد ولادت جناب باب‌الباب صرفاً مقام و موقعیت اول من آمن در ادیان و دیانت بانی و خصوصیات جناب باب‌الباب منطبق با آثار مبارکه مورد بحث واقع خواهد شد.

سکوت قلم

فاروق ایزدی نیا

در این امر بدیع، نزول آیات، هم‌چون غیث هاطل از سماء مشیت و عنایت حق تعالی، صورت گرفته و نفوس مشتاق را مستغرق بحر آثار مبارکه قرار داده است. اما، رحمت الهی چنان است که آن‌چه عزّ نزول یافته در حدّ استعداد و درک بشر بوده و فوق آن هم‌چنان در خزائن الهی مستور و مکنون باقی مانده است. در حین نزول آیات، قلم در ذکر بعضی موارد، سکوت را مرجح دانسته و از بیان مطلب امتناع کرده است. این خودداری از بیان مطلب به دلایل گوناگون صورت گرفته است؛ گاه کثرت بلایا، گاه شدت احزان، گاه حیای قلم، گاه ناتوانی نوع بشر از استماع کلام و موارد دیگر سبب امساک قلم شده است.

چرا حضرت عبدالبهاء به غرب مسافرت کردند؟

رامین وصلی

شاید این پرسش به ذهن کثیری خطور ننماید، که چرا حضرت عبدالبهاء به غرب تشریف بردند؟ چرا به شرق نرفتند؟ اگر به شرق می‌رفتند و از آن‌جایی که شرقی‌ها بیشتر اهل دین بودند و جمعیت بیشتری را نسبت به غربی‌ها داشتند، بدیهی است نفوس بیشتری ایمان می‌آوردند و هم اکنون نفوس بیشتری به دیانت بهائی ایمان داشتند. البته شایان ذکر است که حضرت عبدالبهاء برای تبلیغ به غرب سفر نمودند و هدف ایشان فراتر از تبلیغ بود، اگر چه تبلیغ امر الهی هم در آن مستتر بود، هدف اصلی این نبود.

پاسخ متداول و مرسوم برای سفر حضرت عبدالبهاء به غرب چنین است که اهل غرب در ورطهٔ، مادی‌گری افتاده بودند و ایشان به جهت نجات و تبلیغ امر الهی راهی بلاد غرب شدند. اگر چنین پاسخی دهیم بدیهی است که پیشاپیش پذیرفته‌ایم که اهالی شرق همگان در تدین و زهد و تقوا غوطه‌ور بودند یا این‌که چون ندای امر الهی را اصغا نمودند دیگر بی‌نیاز بودند و برخلاف آنان، غربیان در وادی ضلالت و گمراهی حیران و سرگردان بودند. چنین تقسیم‌بندی نیز هم اکنون نزد اهالی شرق رایج است. حال آن‌که واقعیت چنین نیست.

هدف سفر حضرت عبدالبهاء به غرب را نه تنها باید فارغ از این تقسیم‌بندی بدانیم، بلکه آن را باید به منزلهٔ ساختارشکنی این تقسیم‌بندی بدانیم. بر اهل

در این مطلب، بخشی از آثار مبارکه که بیان کننده علت سکوت قلم بوده مورد بررسی قرار گرفته است. نه می توان گفت تمامی علل برشمرده شده است و نه می توان گفت به تمامی آثاری که در این زمینه موجود استناد شده است. سکوت قلم گاهی باعث تأسف خواننده می شود که چرا مخاطب ظرفیت نداشته؛ گاهی سبب حزن و الم می شود که بلائی وارد بر مظهر ظهور آنقدر عظیم بود که لطف و عنایتش نسبت به بندگان مانع از بیان آنها شده است. موارد دیگر در این مقاله مختصر طی عناوین فرعی مختلف بیان شده است.

در مجموع، قلم با سکوتش مواردی را بیان کرده است که بندگان مشتاق دانستن را به حقایقی بی شمار رهنمون می سازد. قلم ساکت مانده اما در حقیقت به بیان مطلب پرداخته است. باید که از سکوتش پی به مقصود برد.

توصیه اصول وحدت و تعمیم بین المللی در تعلیم و تربیت

در خطابات حضرت عبدالبهاء

ایرج ایمن

برخی از بیانات حضرت عبدالبهاء در خطاباتی که طی مسافرت هایشان در اروپا و امریکا ایراد فرمودند به اصول راهنمایی کننده ای در تعلیم و تربیت مربوط می شود. با توجه به این نکته که هدف کلی و محوری بیاناتی که در مجامع و محافل گوناگون ایراد فرمودند و یا در پاسخ به پرسش های خبرنگاران اظهار داشتند ترویج صلح و یگانگی و جلوگیری از بروز جنگ و جدال بود، مطالبی

از نظر اجتماعی و فرهنگی وقوف دارد. ویل دورانت در تاریخ تمدن خود در باره دین سخن ژرفی دارد و می گوید: «دین هزار جان دارد». جان کلام وی این است که دین در عرصه زندگی بشر زوال پذیر نیست و انسان ذاتاً و فطرتاً دینی است. مارکس به عنوان یک متفکر خداناباور که به قدرت اجتماعی دین پی برده بود می گوید که به منظور دگرگونی اجتماعی، فربه ترین و جانانه ترین نقدها را باید به دین داشته باشیم. وی استاد خود فوئر باخ را سرزنش می کند که گفته بود دین خرافات است، وی می گوید که فوئر باخ نمی گوید که چرا این خرافات، چنین جاندار و جاودانه در جامعه بشری سکنا گزیده است. به همین دلیل معتقد است که ابطال دین امری بی فایده و عبث است، باید ناهنجاری طبقه های اجتماعی را تشریح کرد تا بتوانیم آن را از صحنه کنار بگذاریم. هگل می گوید که تلقی هر قوم و ملتی از خدا و دین، سایر شئون و مناسبات اجتماعی را سامان می دهد.

در این مقاله برآنیم که نشان دهیم که بر خلاف آراء و عقاید مخالفان دین، حضرت عبدالبهاء در آثار خود به ویژه در سفرشان به غرب به اثبات این نکته پرداخته اند که رشد و ترقی تمدن رابطه مستقیم با دین و دینداری دارد، به عبارت دیگر تلقی مترقیانه و حقیقی از دین موجب رشد و ترقی تمدن بشری شده است. البته آن چه ایشان تأکید می فرمایند دین و دینداری حقیقی است، یعنی هر نوع دینداری از عهده چنین امری بر نمی آید.

به همین منظور با توجه به آثار حضرت عبدالبهاء به نقش دین و به ویژه نوع دینداری در رشد و ترقی تمدن می پردازیم. این مقاله به دو بخش تقسیم می شود: اندیش قدیم و مدرن. در هر بخش با توجه به آثار حضرت عبدالبهاء نقش دین در رشد و ترقی تمدن بشری را بررسی می کنیم.

جلال، مقدر است مظهر و مجری زیبایی و لطافتی باشد که روح برآشفته و زخم‌خورده عالم بشری را مرهم نهد، التیام بخشد، برکشد و به جایگاه والای انسانی و روحانی‌اش رساند.

تجلی‌گاه اصلی جمال امرابهی در این ظهور بدیع الهی کلام خداوندی یعنی «آیات‌الله» است که برای تحسین و به‌سازی حیات و فرهنگ و تمدن بشری از لسان و قلم حضرت بهاء‌الله نازل شده و زیبایی لفظی و معنایی‌اش جذّاب و مُحَوِّل قلوب و افکار می‌باشد. بر این اساس شارع این آیین جلیل چنین اراده فرموده‌اند که خواندن آیات الهی مورث انجذاب قلب و ادراک روح و ایقان ذهن خواننده و شنونده گردد. قرائتی به نیکی، شادابی و خرمی در عین پرهیز از زیاده‌روی و تحمیل کسالت بر شخص تا علت سبک‌بالی ارواح گردد برای پرواز «إلی مطلع البینات».

در این بحث نظری اجمالی خواهیم داشت به موسیقی از دیدگاه ادبیات و از دیدگاه ادیان و به ویژه در دیانت بهائی و سپس خصوصیات آیات الهی را از نظر ساختار آوایی یا صوتی و تأثیر دلنواز و روح‌پرور مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

نقش دین در رشد و ترقی تمدن در آثار حضرت عبدالبهاء

رامین وصلی

بی‌شک، پژوهنده منصف و وسیع‌النظر ژرف‌اندیش علوم اجتماعی، گرچه ظاهراً بی‌دین و خداناباور تلقی شود، به نقش دین به عنوان یک پدیده و نهاد سترگ اجتماعی در تاریخ تمدن عمیقاً واقف است. یعنی اگر دغدغه و سودای حَقّانیت دین هم نداشته باشد، به قدرت و فونکسیون شگرف و همه‌جانبه دین

هم که در زمینه آموزش و پرورش بیان فرمودند معطوف و مربوط به استقرار صلحی پایدار و مدنیت‌ساز است. حضرت عبدالبهاء دیدگاهی وسیع و جامع در مسائل و مساعی تعلیم و تربیتی ارائه داده‌اند که بی‌سابقه و در بسیاری موارد در جهت مخالف جریان فکری و تعلیماتی آن زمان بود. از آن‌جا که تفکر و رفتار افراد متأثر و محصول کیفیت و میزان آموزش‌های رسمی و غیر رسمی و غیرمستقیم است حصول وحدت و یگانگی و صلح عمومی پایدار از جمله نیازمند ایجاد وحدت و تساوی فرصت در تعلیم و تربیت برای همگان و در همه کشورهای است. یکی از این اصول راهنمایی‌کننده در برنامه‌ریزی و تهیه و تنظیم مواد درسی در آموزش و پرورش رعایت اصل وحدت در تعلیم و تربیت است که حضرت عبدالبهاء در ابتدای قرن بیستم و پیش از وقوع دو جنگ جهانی و نابسامانی‌های متعاقب آن که هنوز دامنگیر جامعه بشری است در سخنرانی‌های خود مورد توصیه و تأکید قرار داده‌اند. هماهنگی برنامه‌ها و مواد درسی در همه کشورهای به خصوص دروسی که در تشکّل فکری و اعتقادی افراد تأثیرگذارند مانع بروز تعصب جاهلانه و عقاید و افکار خصومت‌جویی بین اهالی کشورهای و اقوام و ملت‌ها می‌گردد. علاوه بر این تساوی فرصت‌های آموزشی در سطح جهانی مانع از بروز اختلافات و دشمنی‌هایی می‌شود که ناشی از احساس محرومیت و عدم دسترسی به امکانات تحصیلی به وجود می‌آید. حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که در اوّل سپتامبر ۱۹۱۲ در مونترال ایراد نمودند متذکر شده‌اند که «جمیع عالم باید تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان برخیزد و جمیع بشر متحد شوند». و در سخنانی که در هشتم جون ۱۹۱۲ در فیلادلفیا ایراد نمودند می‌فرمایند: «... وحدت اصول و قوانین تربیت نیز از الزم امور تا جمیع بشر تربیت واحده گردند یعنی تعلیم و تربیت در جمیع مدارس

عالم باید یکسان باشد. اصول و آداب یک اصول و آداب گردد تا این سبب شود که وحدت عالم بشر از صغر سنّ در قلوب جای گیرد.» و در جای دیگر تأکید نموده‌اند که: «حضرت بهاء الله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجالاً و نساءً دختر و پسر تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تامّ بین بشر حاصل شود ... بنیان جنگ و جدال بر افتد و بدون تحقّق این مسائل ممکن نیست زیرا اختلاف تربیت مورث جنگ و نزاع ...» است.

مروری بر مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء

خطاب به جناب ابن ابهر ایادی امرالله

شاپور راسخ

شرح احوال و خدمات

جناب ابن ابهر میرزا محمدتقی ابن میرزا عبدالرحیم مجتهد ابهری متولّد ۱۲۷۰ هـ.ق و متوفی در ۱۳۳۶ یکی از چهار نفر ایادی امرالله هستند که حضرت بهاءالله در اواخر حیات مبارک منصوب فرمودند. حضرت بهاءالله در لوح دنیا می‌فرمایند: «التّور والبهاء والتّكبير والثناء علی ایادی امره الذّین بهم اشرق نور الاضطبار وثبت حکم الاختیار لله المقتدر العزیز المختار و بهم ماج بحر العطاء و حاج عرف عنایة الله مولی الوری. نسئله تعالی ان یحفظهم بجنوده و یحرسهم

در ادامه، در این باره بحث خواهد شد که استدلال در آثار حضرت عبدالبهاء در بسیاری از موارد نه تنها به جهت اثبات یک حقیقت، بلکه در جهت ردّ دلایل منکرین آن و به خاطر مقابله با سفسطه و مغالطه آنان صورت پذیرفته است و در رابطه با این مطلب اشاره‌ای به این مبحث در منطق خواهد شد. مؤخره و پایان بخش این سخن، جمع‌بندی از مطالب گفته شده و بیان مطلبی خواهد بود در باره نقش استدلال در آثار حضرت عبدالبهاء در جهت هدایت نفوس و رساندن ایشان به مرحله معرفت شهودی که هدف اصلی و غائی است.

تأمّلی بر «تلاوت آیات به احسن الالحان»

امید نیکویی

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس می‌فرمایند: «لیقرؤا الواح الرّحمن بأحسن الالحان» (الواح الهی را به بهترین لحن و صوت بخوانید). در این حکم، نکات دقیقی نهفته است که شایان بررسی تحلیلی است. این گفتار کوششی است برای بررسی و فهم احکام و تعالیم کتاب مستطاب اقدس در باب قرائت آیات و الواح نازله از سماء وحی الهی به «أحسن الالحان» و نیز پژوهشی است در کیفیت مفاهیم «آیات الله، حُسن و لحن» و چگونگی ارتباط این سه معنا در مضمون و عمل و سرانجام نگاهی بر چرایی این تعلیم لطیف صمدانی. نظری حتّی گذرا بر ارکان اعتقادی و تعالیم و احکام دیانت بهائی آشکار می‌سازد که شریعت خداوند در این زمان و در این دوران در عین عظمت و

حقیقت می‌رساند. پس عجب نیست که بسیاری از آثار حضرت ربّ اعلیٰ و جمال اقدس ابهی بر مبنای استدلال و بر اساس منطق بنا نهاده شده است. در این سخن کوتاه در نظر است که شیوه‌ها و روش‌های استدلال در آثار حضرت عبدالبهاء (البته در بعضی از این آثار) مورد بررسی قرار گیرند و رابطه آنها با قواعد منطق بیان گردد.

همان‌گونه که اشاره شد، استدلال بر پایه اصول و قوانین منطق بنا شده است لذا در ابتدا شرح مختصری در باره این بخش از معارف بشری شامل تعریف آن و شرایط تاریخی و اجتماعی به وجود آمدن و تدوین آن و جایگاهش در معارف انسانی ارائه می‌گردد و آن‌گاه تعریف استدلال و اقسام آن بیان خواهد شد و در این جا اشاره‌ای به دو جنبه استدلال یعنی «ماده» و «ساختار» آن خواهد گردید و در باره این که نقش استدلال و سهم آن در راه رسیدن به حقیقت تا چه حدّ است، مطالبی ارائه می‌گردد.

در ادامه سخن، دیدگاه حضرت عبدالبهاء در باره قوه کاشفه و عقل نطقی یا منطقی که ملازم آن است، مورد توجه قرار خواهد گرفت و اقسام استدلال یعنی قیاس و استقراء و تمثیل در چهارچوب بیانات مبارکه و با استفاده از این بیانات، مورد بحث واقع می‌شوند که بیانگر رابطه هر یک از این اقسام استدلال با حقیقتی خواهند بود که شناخت و اثبات آن مورد نظر هیکل مبارک است و این که چرا حضرت عبدالبهاء در مواضع مختلف بر یکی از این اقسام استدلال داشته‌اند، سؤالی است که سعی خواهد شد پاسخی به آن داده شود. روش آن حضرت در به کار گرفتن توأم استدلال فلسفی و کلامی در اثبات یک موضوع خاص از دیگر مواردی است که در این سخن با ذکر مثال‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

بسلطانہ و ینصرہم بقدرتہ الّتی غلبت الاشیاء...». لوح دنیا یک سال قبل از صعود مبارک عزّ نزل یافته (رک: سفینه عرفان - دفتر پنجم) ولی انتصاب حضرات ایادی اقوم اسم اعظم به چندین سال قبل از آن بر می‌گردد.^۱ بعد از صعود جمال ابهی، حضرت عبدالبهاء همین نفوس نفیسه را در مقام ایادی امرالله تثبیت فرمودند و در الواح وصایای خود وظایف عمده ایادی را تصریح کردند. ضمناً بعضی نفوس جلیله را هم بعد از صعودشان به عنوان ایادی امرالله تجلیل کردند که از آن جمله بودند شیخ محمّد نبیل اکبر قائنی و ملا صادق مقدّس خراسانی و میرزا علی محمّد ورقای شهید.

قرائن حاکی از آنست که جناب ابن ابهر از فعال‌ترین حضرات ایادی بودند زیرا علاوه بر سفرهای فراوان در داخل ایران، در دوره میثاق برای تبلیغ و ترویج امرالله به هندوستان رفتند (۱۹۰۷) و هم‌چنین به ترکستان و قفقاز و مکه و عراق مسافرت نمودند. مدّت خدمتشان بس طولانی بود چه از حدود پانزده سالگی (۱۸۶۸ - ۱۸۶۹) تا آخرین لحظه حیات (۱۹۱۵) پیوسته در این عرصه فعال بودند. پدرشان میرزا عبدالرحیم در سال ۱۸۴۷ مؤمن به حضرت باب گردید و بعد بهائی شد و در سنه ۱۲۹۱ هـ. ق به علّت سمّی که اعداء در فنجان قهوه ایشان ریخته بودند صعود کردند. جناب ابن ابهر در سنّ پانزده سالگی با آقا جمال معروف ملاقاتی حاصل می‌کند و با شنیدن مطالب بدیعه تصدیق امر مبارک را می‌نمایند و به قول جناب فاضل مازندرانی «قوه ایمان و عرفان و انجذاب وجدان در وی نبعان و شدت نمود و با مادر و برخی از خویشان

^۱. بنا به استدلال جناب ادیب طاهرزاده در کتاب ظهور بهاءالله ج ۴، ص ۲۷۷ احتمالاً در حوالی

صحبت کرده آنان را به ایمان فائز ساخت.»^۱ بدین ترتیب فعالیت‌های تبلیغی ایشان سال‌ها قبل از انتصاب به سمت ایادی آغاز شده بود. و وقتی در عریضه‌ای به حضور جمال ابهی در سنه ۱۸۷۶ از محضر مبارک سؤال می‌کند که آیا انفاق جان در سبیل محبت الهی پسندیده‌تر است یا تبلیغ امرالله با حکمت و بیان؟ از هیکل اقدس جواب دریافت می‌کند که دوومی مرجح و مقدم است. بدین ترتیب تکلیف خود را در مورد تبلیغ تا آخر حیات خویش در می‌یابد^۲ و به آن عامل می‌شود چنان که وقتی در همان آغاز به علت مخالفت دشمنان از ابهر به زنجان می‌رود فوراً به تبلیغ عده‌ای توفیق می‌یابد و در عین حال ایمان عده‌ای از احبّاء را که در دام ازلی‌ها افتاده بودند محکم می‌کند.

از جمله وقایع مهم حیات ایشان عبارتست از حبس در زنجان به علت قیام علما بر ضد ایشان (به مدت ۱۴/۵ ماه)، تشرّف به حضور جمال مبارک در سنه ۱۸۸۶، دستور مبارک به سفر ایشان در اکناف و اطراف، حبس دولتی در سجن طهران بدون هیچ موجب و علت موجّهی به مدت چهار سال، حمل زنجیر قره کهر که قبلاً جمال ابهی به آن متحمّل شدند، ملاحظه عکس ایشان در زنجیر توسط حضرت عبدالبهاء که مرقوم فرمودند: «از این تماشا حالتی دست داد که حزن و اندوه زائل شد و روح و ریحان حاصل گردید»، ادامه تبلیغ امرالله در زندان، عزیمت به ارض اقدس اندکی پس از استخلاص در سنه ۱۸۹۵ و تشرّف به حضور حضرت عبدالبهاء، بعد سفر به عشق‌آباد به دستور مبارک، و اسفار دیگر در داخل و خارج که به آن‌ها اشاراتی رفت، ازدواج با صبیّه ایادی امرالله جناب علی قبل اکبر، منیره خانم، به تشویق حضرت عبدالبهاء (۱۳۱۶ هـ. ق.)،

۱. جناب فاضل مازندرانی، کتاب ظهور الحق، جلد ششم

۲. ادیب طاهرزاده، ج ۴، ص ۳۰۵

گذاشته‌اند، سخن به میان خواهد آمد و سپس در باره میزان بهائی بودن و بهائی نبودن در رابطه با محبت از دیدگاه آن حضرت صحبت خواهد شد. در ادامه سخن، اشاره‌ای به چند خطابه حضرت عبدالبهاء در باره محبت خواهد شد و بحثی کوتاه در باره رابطه این ارزش والا با سایر ارزش‌های اخلاقی در پی خواهد آمد و جایگاه محبت در میان این فضائل بیان خواهد گردید. در پایان این سخن، نمونه‌هایی کوتاه از بیانات محبت‌آمیز حضرت عبدالبهاء خطاب به احبّای الهی به عنوان حسن ختام ذکر خواهند گردید تا شاید بتوانیم به مدد آنها تصویری از محبت آن حضرت در آیین قلب داشته باشیم.

شیوه های استدلال در آثار حضرت عبدالبهاء

ناصر نیلی

مطالب استدلالی در انواع آن یعنی استدلال عقلی و نقلی و کلامی در آثار بهائی جایگاهی مهم و برجسته دارند، هر چند که نظرگاه دیانت بهائی در باره معرفت و شناسایی به مرتبه‌ای بالاتر از عقل منطقی متوجه است و اندیشه بهائی در پی آن است که به صورت نهانی حقیقت را بی‌ستر و حجاب و بی‌واسطه و با ادراک مستقیم یعنی به صورت شهودی مشاهده نماید و به صبح حقیقی برسد که در آن برای دیدن آفتاب نیاز به چراغ استدلال نداشته باشد. اما این فراتر رفتن از عقل منطقی به معنی نفی آن نیست و تا رسیدن به سپیده دم هدایت عقل را هم چون سراج هدایتی می‌داند که در دل تاریکی‌های جهالت بشر را به صبح

حقیقت آن بنا به نظر حضرت عبدالبهاء مستحیل و محال است. رابطه محبت با خلقت و معرفت از دیگر موضوعی خواهد بود که بر طبق نظر مبارک در لوح مذکور در باره آن بحث خواهد شد.

در ادامه این سخن یکی دیگر از الواح حضرت عبدالبهاء در باره محبت مورد توجه و مطالعه واقع شده و محور بحث قرار می‌گیرد و در ابتدا نگاهی کلی به این لوح مبارک و بحثی در باره مقدمه و متن و مؤخره و اوصاف کلی آن مد نظر خواهد بود و سپس در مورد مقدمه این لوح که در آن مقدمه در باره نیاز به محبت و شرط درک آن و حالات و روحیات مخاطب لوح سخن به میان آمده، بحث خواهد شد و آن گاه در باره توصیفات هجده گانه حضرت عبدالبهاء در باره محبت مطالبی بیان می‌گردد و در توضیح هر قسمت از این توصیفات از سایر بیانات آن حضرت در دیگر آثار از جمله خطابات مدد گرفته و استفاضه خواهد شد و سعی می‌گردد که رابطه این مطالب با آنچه که در مقدمه این سخن در خصوص آراء عرفا و مراتب محبت که در لوح تفسیر کنت کنز بیان گردیده، برقرار شود و در باره تجلی محبت حقیقی در عوالم الهی و بازتاب آن در عالم انسانی و جهان مادی و جوامع بشری بحث گردد.

تأکید حضرت عبدالبهاء در باره تأثیرات محبت در پیشرفت و ترقی مادی و معنوی جوامع انسانی و تمدن بشری از دیگر مواردی خواهد بود که در این سخن مورد توجه قرار خواهد گرفت و در باره موقعیت عالی و درخشان جوامعی که به نور محبت روشن هستند و عاقبت شوم و پر وبال جوامعی که از آن محروم هستند با توجه به بیان مبارک، بحث خواهد شد و آن گاه در باره وظیفه‌ای که حضرت عبدالبهاء جهت استقرار محبت در عالم انسانی بر دوش اهل بهاء

مشارکت با سایر ایادی در ایجاد محفل روحانی طهران، کمک به احباء برای تعمق در قضیه عهد و میثاق، ترویج تعلیم و تربیت نسوان، شرکت در لجنه حریت نسوان (۱۹۰۹) و تشکیل محفل روحانی اماء الرحمن (۱۹۱۰)، پشتیبانی از همسر خود برای تأسیس یکی از اولین مدارس نوین در طهران (مدرسه تأییدی دوشیزگان وطن) و خدمات متعدد دیگر که در مجمع عرفان به تفصیل آنها خواهیم پرداخت.

از دیگر وقایع مهم حیات جناب ابن ابهر برخورد ایشان با جلال الدوله فرزند ظل السلطان بود. در این مورد جناب فاضل مازندرانی نوشته‌اند: «در سال ۱۳۲۰ (۱۹۰۳ م) به موجب میل و دعوت جلال الدوله حکمران یزد که حتی مصاریف سفر و کالسکه را بذل نمود با تصویب محفل روحانی طهران به یزد شتافت و میرزا حاجی آقا سنگسری هم ملازمش شد که الواح و آیات را به صورتی رفیع و لحنی ملیح بخواند و در آن جا به تبلیغ بی‌خبران و تشویق محبان و مؤمنان و تأسیس مشرق‌الاذکار و اجتماع احباب و توالی مجالس پرنجذاب برای تلاوت الواح و آثار و نیز تأسیس محفل روحانی پرداخت و با جلال الدوله در قلعه ارک حکومتی پی‌درپی ملاقات کرده، اطلاعات از این امر داده و شاهزاده از وی تجلیل و توقیر نمود و بالاخره کالسکه مخصوص خود و پیشخدمتش را همراه کرده تا به رفسنجان رفته ایامی چند اقامت نمود و احباب به فیض ملاقاتش رسیدند پس به شهر کرمان رفت و بعد از توقف ایامی چند به رفسنجان برگشت» و چون بیم برخورد مجتهد محلی و اعوان و انصار او با محافظان جامعه بهائی می‌رفت حاکم بلد از جناب ابن ابهر درخواست کرد که از توقف در رفسنجان منصرف شود و او نیز پذیرفت و با همان کالسکه جلال الدوله به یزد رفت و تقریباً مدت اقامتش در یزد چهار ماه شد و موجب هدایت جمعی گردید و

اشتیاق و استقبال عجیبی در جمیع اهل بهاء ایجاد گشت و در نهم ربیع الاول ۱۳۲۱ (۱۹۰۴ م) به طهران دعوت نمود.

گفتنی است که متأسفانه بعد از آن وقایع سهمناکی در یزد اتفاق افتاد که تواریخ بهائی به تفصیل از آن سخن گفته‌اند (تابستان ۱۹۰۳) و در این مورد باید به آن مآخذ مراجعه کرد.^۱ باید اضافه کرد حضرت ولی‌ام‌الله جناب ابن ابهر را در در شمار حواریون حضرت بهاء‌الله محسوب فرموده‌اند^۲ بلایا و مصائب و زجر و شکنجه‌ای که ایشان در طول حیات و در زندان دیده‌اند ایشان را به حقیقت مستحقّ چنین عنوان جلیلی می‌کند.

مروری بر مضامین الواح

در مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء که به تعداد محدود در شهرالمسائل ۱۳۳ بدیع تکثیر شده ۴۹ صفحه مربوط به الواح حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب ابن ابهر است که فقط برخی از آن‌ها تاریخ دارد و حاوی راهنمایی‌ها و دستورات بسیار متنوعی است که وسعت و کثرت مسئولیت‌های جناب ابن ابهر را نشان می‌دهد. موضوعات (تم‌ها) عمده‌ای که در این مکاتیب مبارکه است عبارت است از:

۱. تأکید در امر تبلیغ ۲. تشویق اماء الزّحمن به امر تبلیغ ۳. تأکید در حسن سلوک احباء ۴. بی‌طرفی احباء در مسائل سیاسی ۵. راهنمایی در حلّ بعضی مسائل مبتلا به جامعه از جمله قضیه میزان مهریه، اختلاف بین نفوس، رفع بعضی سوء تفهیم‌ها و مانند آن ۶. توصیه‌هایی به ایادی امرالله و احبّاً هنگام

۱. محمدعلی فیضی، حیات حضرت عبدالبهاء و تاریخ شهدای یزد جناب محمدطاهر الممیری و...

۲. حسن موقربالیوزی، بهائیان برجسته در زمان حضرت بهاء‌الله

بیان»، «رجال بیان»، «حکم بیان»، «صور علم بیان»، «اهل علم و بیان»، و «مطلع بیان» که در آثار اولیّه آن حضرت آمده و در آثار متأخره نیز این اصطلاحات با مفاهیم جدیدی به کار رفته است. حضرت باب، کلیّه آثار خود را به نام بیان تسمیه فرموده‌اند صرف نظر از نوع شأن آن، خواه شأن آیات باشد یا شأن مناجات یا شأن تفسیر یا شأن خطبه یا شأن صور علمیه یا شأن فارسی همه این شئون به نام بیان نام گذاری شده ولی دو اثر نازله در قلعه ماکو، یکی به عربی و دیگری به فارسی، به طور اخصّ بیان نامیده شده است. علاوه بر این‌ها «بیان» به معنی تبیین و تفسیر معارف اسلامی است و اصطلاح «تبیین» مأخوذ از آنست و نیز حاکی از مفاهیم دیگری هم هست که در این مبحث مطرح خواهد شد.

مفهوم محبت از دیدگاه حضرت عبدالبهاء

ناصر نیلی

مفهوم محبت از دیدگاه حضرت عبدالبهاء موضوع این سخن است. در ابتدای این صحبت در باره کلمه محبت و ریشه لغوی آن بحث خواهد شد و آن‌گاه به صورت خیلی مختصر مطالبی در باره مفهوم محبت از دیدگاه عرفا بیان خواهد شد و سپس تعریف حضرت عبدالبهاء در باره محبت که در لوح تفسیر کنت کنز بیان گردیده، ذکر خواهد شد و در باره مراتب آن از دیدگاه هیکل مبارک مطالبی ارائه می‌گردد و به اختصار در باره این مراتب صحبت خواهد شد. هم‌چنین در این باره بحث خواهد گردید که درک مفهوم محبت بسیار دشوار است و فهم

چندین باره توفیعات حضرت ولی‌ام‌الله و آثار حضرت عبدالبهاء می‌تواند ما را به فهم صحیح راجع به این موضوع رهنمون شود. در این تحقیق سعی شده است مقدمه‌ای راجع به تلاش‌های بشر برای استقرار یک محکمه بین‌المللی بیان شود و روش‌های به کار گرفته شده در این زمینه به طور اختصاری بررسی گردد. در نهایت با بیان ضرورت وجود دادگاهی بین‌المللی نقطه نظر نهائی و یا فصل‌الخطاب برای جهانیان با توجه به آثار و متون بهائی ارائه می‌گردد و البته مشخصات دادگاه جهانی و چگونگی تشکیل آن مبتنی بر دیدگاه دیانت بهائی مطرح می‌شود. تأکید بنده بر لزوم استقرار دیانت بهائی، برای حصول چنین هدفی می‌باشد به همین جهت در بخشی از تحقیق به مبادی اصلی اعتقادی دیانت بهائی که در ارتباط با تأسیس محکمه کبری و صلح می‌باشد و ضامن صحت عملکرد آن می‌شود، پرداخته شده است.

مفهوم اصطلاح «بیان» در آثار حضرت باب

ولی‌الله کفّاشی

واژه «بیان» و مشتقات آن در کل آثار حضرت باب به چشم می‌خورد، از اولین اثر آن حضرت گرفته تا آخرین آنها که در مدت نزدیک به یازده سال از قلم مبارکش نازل شده است. این مقاله کوششی است به منظور بررسی واژه بیان و مفاهیم آن از جهات گوناگون و در اصطلاحات و کاربردهای مختلفی که در آثار حضرت نقطه اولی ملاحظه می‌شود مانند «اهل بیان»، «رتبه بیان»، «سنة‌البیان»، «نقطه

غیبت حضرت عبدالبهاء از ارض اقدس به خاطر سفر غرب ۷. لزوم اطاعت دولت و حکومت ۸. اشاراتی به روزنامه ثریا در مصر که سبب زحمت شده بود ۹. موضع اهل بهاء در برابر مطبوعات ۱۰. اشاره به مشاغل و گرفتاری‌های هیکل مبارک ۱۱. گله از اعمال ازلی‌ها ۱۲. تأیید تأسیس اعانت خیریه به جهت تعلیم و تربیت ۱۳. توصیه‌هایی در مورد محفل روحانی (طهران) ۱۴. تشویق سفر به اطراف برای تبلیغ و تشویق ۱۵. در باره استدلالیه صدرالصدور ۱۶. در مورد مجالس درس تبلیغ ۱۷. قضیه مشرق‌الاذکار ۱۸. تنفیر از دخان ۱۹. کسب اجازه دولت برای چاپ کتب بهائی ۲۰. جواز طبع مکاتیب ناصحانه حضرت عبدالبهاء ۲۱. تقدیر از خدمات جناب ابن ابهر ۲۲. لزوم رعایت حکمت در تشکیل جلسات ۲۳. لزوم احتراز از نفوس متزلزله ۲۴. سفارش بعضی از احبای خدمت‌گزار ۲۵. اعلام وصول گزارش‌های مختلف ایشان ۲۶. دعا برای احبای مورد توصیه ایشان ۲۷. بیان معنی بهائی حقیقی ۲۸. اعزام میرزا محمدتقی افغان به عشق‌آباد برای تأسیس مشرق‌الاذکار ۲۹. از جمیع نزاع‌ها در کناریم و خیرخواه عموم ۳۰. ارسال مکاتیب مبارکه توسط ایشان به اشخاص مختلف ۳۱. بیان این که شمس میثاق در اشد اشراق است ۳۲. دستور سفر به قراء و قصابات آذربایجان ۳۳. دستورات در مورد سفر یزد ۳۴. از امتحانات نباید محزون شد ۳۵. تأکید به احبّاء که به آن چه سبب عزت ابدیه ایران است بپردازند ۳۶. اغبرار میان نفوس را باید فوراً رفع کرد ۳۷. امتناع از نگارش زیارت‌نامه بعد از زیارت‌نامه‌ای از قلم اعلی ۳۸. دادن اهمّیت به مدارس بهائی ۳۹. تصویب عزیمت فاضل مازندرانی به عتبات عالیات و مذاکره با شخصی محترم ۴۰. اهمّیت دادن به درس تبلیغ اماء‌الرّحمن ۴۱. اهمّیت خشیه الله ۴۲.

امیدواری نسبت به مدرسه تربیت (بنین) ۴۳. دستوراتی در مورد اسکندریه
۴۴. مناجات شفا ۴۵. زحمت در سبیل الهی رحمت است ۴۶. دستورات انتشار
مطالبی درباره اشاعه امرالله در خطه امریکا.

این فهرست معلوم می‌دارد که مکاتیب خطاب به جناب ابن ابهر خیلی بیشتر
از این‌ها بوده است و ان شاء الله در آینده ایام با جمع‌آوری همه آن مکاتیب،
امکان بررسی و تحلیل گسترده‌تری خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. ظهورالحق تألیف جناب فاضل مازندرانی، جلد ششم
۲. بهائیان برجسته در زمان حضرت بهاءالله تألیف جناب حسن موقر بالیوزی
۳. ظهور حضرت بهاءالله تألیف جناب ادیب طاهرزاده، جلد چهارم، مؤسسه
ایادی امرالله تألیف جناب عبدالعلی علایی

مقدمه‌ای بر مطالعه توقیعات

حضرت ولی امرالله

شاپور راسخ

۱. آثار حضرت ولی امرالله از نظر کثرت عددی و تنوع موضوعی حیرت‌آور است.
شماره توقیعات و آثار دیگر آن حضرت را بین ۱۴ هزار و ۱۷/۵ هزار برآورد کرده‌اند

در آثار مبارکه و توقیعات حضرت ولی امرالله این موضوع گاهی به طور مجزا و
کاملاً خصوصی به عنوان یک دادگاه بین‌المللی و جهانی که مورد قبول جمیع
دول و ملل است یاد شده است و در تعداد کثیری از موارد با موضوع صلح
جهانی و تشکیل یک حکومت جهانی، به شکل تفکیک‌ناپذیر ترسیم گشته
است. می‌توانیم دریابیم دادگاه بین‌المللی در دیانت بهایی به بخشی از حکومت
جهانی اطلاق می‌شود که رأی آن فصل الخطاب است و خاطی از طریق جامعه
جهانی با پشتیبانی یک قوای نظامی قدرتمند مورد تنبیه قرار می‌گیرد. بنیان این
فکر در آثار مبارکه در اکثری از الواح خطاب به ملوک آمده است. از جمله در لوح
ملکه ویکتوریا، اما اقدامات بیشتر و عملی برای فراهم شدن مقدمات چنین
پیشنهادی، قاطعانه و مصرّاً از جانب حضرت عبدالبهاء صورت گرفت که
در آن، در دهه آخر قرن ۱۹ اجتماعی برای استقرار صلح در جهان صورت گرفت
که در آن دیوان بین‌المللی لاهه متولی بررسی شکایت‌های بین‌الملل و
بین‌الدول شد. و حضرت عبدالبهاء مکاتبات عظیم تاریخی خود را با این گروه
آغاز کردند و سفیر صلح خود را که جناب احمد یزدانی بودند به لاهه فرستادند
و در آن جا الواح حضرت عبدالبهاء تسلیم صاحب‌نظران گردید. به این وسیله
یک سابقه تاریخی عظیم با پشتیبانی حضرت عبدالبهاء شکل گرفت.

تحقیقی که بنده در پی به انجام رساندن آن می‌باشم، بر پایه همین الواح و البتّه
توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله و برخی دست‌خط‌های بیت‌العدل اعظم
می‌باشد.

راجع به محکمه کبری و تأسیس دادگاه بین‌المللی نظرات گوناگونی مبتنی بر
آثار ارائه شده است اما نمی‌توان به سادگی پذیرفت که به طور کامل منطبق با
آن هدفی است که مورد نظر دیانت بهائی می‌باشد، به همین جهت، مطالعه

بعد از ذکر مضمون لوح مفاهیم مختلف حوریه بر طبق آثار الهی مورد بحث قرار می‌گیرد از جمله حوریه وحی الهی یا مشیت اولیه و حقیقت مظهر امر و نیز احکام و آیات الهیه و مؤمنین به مظهر امر.

در مبحث بعد مفهوم حوریه با توجه به این لوح مبارک مورد بررسی قرار می‌گیرد و تعابیر مختلفه مقایسه می‌شود و نویسنده نظر شخصی خود را در باره نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین مفهوم که در تمام طول لوح مصداق پیدا می‌کند، بیان می‌نماید.

محکمه کبری

نگار صلاحی فر

تأسیس محکمه کبری آن گونه که در دیانت بهائی مورد نظر می‌باشد اصطلاحی بدیع است که حضرت بهاءالله آن را برای تحقق صلح و وحدت پایه‌ریزی نموده‌اند و صلح مهمترین نیاز بشر در این عالم محسوب می‌شود. علی‌رغم آن که این موضوع دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد کمتر دانشمند و متفکری به بررسی مبادی ریز و دقیق در آن پرداخته است و در این زمینه کتاب مدون و مشخصی در دسترس نمی‌باشد. سابقه تحقیق در باره محکمه کبری، همان گونه که اشاره شد به کتابی مدون و دقیق نمی‌انجامد، بلکه در سطح مقالات پراکنده و سخنرانی‌های غیر مصوبی که از اساتید بهائی به جا مانده و یا از تعریف یا تشریحی کلی در لابه‌لای کتاب‌ها، می‌توان دور نمایی از موضوع محکمه کبری را جستجو کرد.

و این آثار به سه زبان فارسی - عربی - انگلیسی و به ندرت به زبان فرانسه عرّ صدور یافته است.

۲. به یک اعتبار می‌توان گفت که منشورهای چهارگانه امر مبارک یعنی لوح کرمل - کتاب اقدس - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء تعیین کننده مسیر فعالیت‌ها و نیز آثار مکتوب حضرت شوقی افندی بوده‌اند.

۳. سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۳۲ بیشتر صرف تشریح اصول نظم اداری بهائی شد و تویعات مبارکه حول و حوش اداره امور جامعه طائف بوده است.

۴. در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۶ حضرت ولی‌امرالله تعدادی تویعات در تشریح نظم جهانی بهائی حضرت بهاءالله مرقوم فرموده‌اند که ضمناً حاوی نوعی فلسفه تاریخ است و توسط جناب فتح اعظم زیر عنوان «نظم جهانی بهائی» ترجمه شده است.

۵. در طی ده سال ۱۹۳۲ - ۱۹۴۴ حضرت ولی‌امرالله به اهمیت شناسایی تاریخ برای احراز هویت بهائی توجه فرمودند و محصول آن سال‌ها اولاً ترجمه تاریخ نبیل و ثانیاً تویع قرن احبای غرب است *God Passes By*. هم به دستور آن حضرت بود که فضلالی بهائی چون فاضل مازندرانی شروع به جمع‌آوری مواد و تحریر تاریخ امر مبارک کردند.

۶. مسلماً از روز اول و خصوصاً بعد از تقویت نظم اداری بهائی حضرت ولی‌امرالله متوجه بسط و توسعه امر بهائی در سراسر دنیا بر طبق نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء بودند. جامعه آمریکا توانست حدود بیست سال بعد از صدور الواح ملکوتی نقشه هفت ساله اول خود را شروع کند از بعد از جنگ دوم جهانی هم سایر محافل ملی با هدایت آن حضرت به طرح و اجرای نقشه‌های

(از متن انگلیسی و مآخذ دیگر توسط مجمع عرفان تهیه شده است.)

تعبیری از لوح مبارک حوریه

ژیلا شهریاری

در این مقاله ضمن معرفی لوح حوریه و شأن نزول آن مضامین اصلی لوح مطرح می‌گردد. سپس به تعبیر مختلفی که از حوریه در آثار الهی شده است اشاره می‌شود. با توجه به این که این لوح در بغداد و قبل از اظهار امر علنی حضرت بهاءالله نازل شده اشارات هیکل مبارک به اظهار امر علنی خود در آینده و عظمت آن و بلایایی که تحمّل می‌فرمایند نسبتاً صریح و آشکار است. اما یافتن تعبیر حوریه و مقصود و منظور از آن جای تفکر و تأمل بیشتری دارد.

حضرت بهاءالله در انتهای لوح می‌فرماید: این رؤیایی روحانی است که تعبیر دارد: «کذلک نقلی علیکم یا ملا الفردوس من رؤیا البقاء عبّروا لی ان کنتم لرؤیا الزّوج تعبرون»^۱

قبل از این که به استنباط شخصی در تعبیر این رؤیا پردازد مختصراً به مضمون مطالبی که در لوح مطرح شده اشاره می‌نماید. از جمله خلق حوریه و وصف از جمال و کمال او. سپس توجه حوریه به جمال قدم و بلایایی که متحمّل شده‌اند. پس از آن آشکار شدن تدریجی مقام مبارک بر حوریه و عاقبت او توصیف می‌شود.

۱. مضمون بیان مبارک: این چنین القا می‌کنیم بر شما ای گروه فردوس از رؤیای بقا، تعبیر کنید آن را برای من اگر شما تعبیرکننده رؤیای روح هستید.

مهاجرت و تبلیغ اقدام کردند که سرانجام به اجرای نقشه جهانی جهاد کبیر ۱۹۵۳-۱۹۶۳ منتهی شد. رساله **ظهور عدل الهی** نوعی هدایت و پشتیبانی از نقشه توسعه امر در امریکا بود (۱۹۳۸). در مورد سوابق نقشه‌های بهائی مراجعه به کتاب «از موضع قدرت به موضع قدرت» تألیف اونیس براون که پنجاه سال اول عصر تکوین را در بر میگیرد مفید است.

۷. حضرت ولی‌امرالله لازم می‌دیدند که همواره جوامع بهائی را در مورد موضع و موقع امر مبارک در عالم و در تاریخ هشیار نگاه دارند. رساله **قد ظهر یوم المیعاد** (۱۹۴۱) که در اوائل جنگ بین‌المللی دوم نگاشته شد نمونه‌ای از این توقیعات است و روشن می‌کند که وقایع هائله جنگ در حقیقت تحقق پیش‌بینی‌های حضرت بهاءالله در الواح خطاب به ملوک و سلاطین است.

۸. حضرت ولی‌امرالله سهمی مهم در **تحکیم مبانی عرفانی و ایمانی بهائیان** عالم دارند و نمونه‌اش ترجمه کتاب ایقان در سال ۱۹۳۱ و رساله **کلمات مکنونه** در سال ۱۹۳۲ و ترجمه بعضی از آثار حضرت بهاءالله در *Gleanings* (۱۹۳۹) و بالاخره رساله **دور بهائی** در سال ۱۹۳۴ است. آن حضرت در همان سال‌ها مجموعه‌ای از مناجات‌های بهائی را به انگلیسی ترجمه و نشر فرمودند. *Prayers and Meditation*

۹. بعد از جنگ بین‌الملل دوم عمده توجه هیکل مبارک به هدایت و پشتیبانی نقشه‌های **ملی تبلیغ و توسعه** بود و مجموعه‌های متعددی از توقیعات مبارکه توسط محافل ذی‌ربط انتشار پیدا کرده از جمله در امریکا زیر عنوان: *Messages to the Baha'i World* (۱۹۵۰-۱۹۵۷).

اسلامی به شیخ الاشراق و شیخ المقتول نامیده شده، مؤسس حکمت اشراق یا فلسفه اشراق و یا عرفان شرق بود. سهروردی در دوران کوتاه زندگانش که در حدود چهل سال بود حدود پنجاه اثر از خود بجای گذاشته است که از جمله آنها کتاب **حکمت الاشراق** به زبان عربی است.

«سهروردی نظریه خود را در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ه.ق ارائه کرد. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب داده‌اند. او خود فلسفه‌اش را حکمت اشراق نامیده بود که به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب است و اقوام لاتین آن را aurora consurgens نام نهاده‌اند. اما این تفکر فلسفه خاص افلاطونی نیست و در آن آرای افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان و زرتشت و هرمس و اسطوره تحوت و آرای نخستین صوفیان مسلمان درهم آمیخته است. مکتب سهروردی هم فلسفه هست و هم نیست. فلسفه است از این جهت که به عقل اعتقاد دارد، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی‌داند. عرفان است از این نظر که کشف و شهود و اشراق را شریف‌ترین و بلندمرتبه‌ترین مرحله شناخت می‌شناسد. او به سختی بر ابن سینا می‌تازد و از کلیات و مثل افلاطون دفاع می‌کند. بر وجودشناسی ابن سینا ایراد می‌گیرد که چرا اظهار داشته که در هر شیء موجود، وجود امری حقیقی است و ماهیت امری اعتباری، و برای تحقق محتاج وجود است. در حالی که طبق حکمت اشراق، ماهیت امری حقیقی است و وجود امری اعتباری «از جمله مبانی فلسفه سهروردی اعتقاد به نور و روشنایی به عنوان واسطه بین نور الانوار (خداوند) و خلق اوست.»

هدف و منظور این بحث معرفتی اجمالی اصول معتقدات حکمت اشراق و مقایسه آن با مبانی معتقدات بهائی و ارائه تفاوت‌ها و تشابهات میان این دو است.

۱۰. در مورد کتاب **مستطاب اقدس** حضرت ولی‌امرالله قدم اول را با کتاب *Synopsis* برای تدوین و نشر آن کتاب مقدس ام‌الکتاب شریعت حضرت بهاءالله برداشتند.

۱۱. از سال ۱۹۳۲ احبای ایران سعادت دریافت پیام‌های حضرت ولی‌امرالله را به مناسبت نوروز یا رضوان در سال‌های ۸۸ - ۸۹ - ۱۰۱ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۳ بدیع حاصل کردند که تویع نوروز ۱۰۱ (۱۹۴۵) قابل مقایسه با همان *Good Passes By* است.

۱۲. در مجموعه «خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر» شماره یازدهم - دوره ولایت، مقالات متعددی در مورد آثار حضرت ولی‌امرالله به فارسی و به انگلیسی آمده که باید مراجعه کرد. از این بنده هم مقاله‌ای در مورد سبک آثار فارسی حضرت ولی‌امرالله در شماره نهم همان مجموعه درج شده است. جناب دکتر علی‌محمد ورفا هم در کتاب *Vision of Shoghi Effendi* مقاله‌ای به فرانسه در باره آثار مبارکه آن حضرت دارند. در همین کتاب اخیر به مقالات دیوید هافمن و ریچارد توماس هم باید مراجعه کرد.

۱۳. چرا مطالعه توقیعات حضرت ولی‌امرالله برای احبای ایران ضرورت خاص دارد؟

الف. از لحاظ آنکه ایشان مبین معنی مفسر آثار جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء بوده‌اند.

ب. در آثارشان تصویر جامعی از نظم بدیع جهان آرای الهی توان یافت.

ج. آثارشان چون «نظم بدیع جهانی» و «قرن بدیع» گویای فلسفه نوینی از تاریخ است.

د. فرهنگ شرق را به تمدن غرب مرتبط و متصل فرموده‌اند.

۵. در آثارشان بسیاری از مسائل امروزی مطرح شده است که مراجعه به آنها ضرور است.

مروری بر الواح صادر از قلم اعلی

به افتخار جناب ابن ابهر ایادی امرالله

وحید رأفتی

تا کنون در حدود سی لوح در آثار قلم اعلی از الواحی شناخته شده است که به افتخار جناب ابن ابهر ایادی امرالله نازل شده. این الواح برخی بسیار کوتاه یعنی مثلاً چهار سطر و بعضی مطول و در حدود پانزده صفحه است. الواح مطول به امضای میرزا آقا جان خادم الله است و الواح کوتاه توسط هیکل مبارک مرقوم شده است. الواح مزبور بعضی به فارسی و برخی به عربی و تعدادی به مخلوطی از فارسی و عربی نازل شده است. گرچه بسیاری از این الواح بدون تاریخ است اما الواحی که دارای تاریخ نزول است در حدود سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ ه. ق. (۱۸۸۰-۱۸۹۰ م) مرقوم شده است. این بدین معنی نیست که جمیع الواح به افتخار جناب ابن ابهر در همین ده سال نازل شده است.

مجموعه الواح ابن ابهر از غنی‌ترین منابع برای کسب اطلاع در باره جوانب مختلف امر بهائی به ویژه در آخرین دو دهه حیات عنصری جمال مبارک محسوب می‌شود. جناب ابن ابهر مطالب و مسائل مربوط به افراد احبّ و یا اوضاع جامعه بهائی را به حضور مبارک معروض می‌داشتند و جواب دریافت می‌کردند. این موارد مشتمل است بر ارشاد و هدایت حضرت بهاء الله در باره

رویدادهای تاریخی در امر بهائی از قبیل شهادت جناب بدیع و سلطان الشهدا و محبوب الشهدا و مبانی اخلاق و رفتار بهائی و استقامت در برابر معاندت و تضییقات و ستمگری دشمنان و وحدت و یگانگی در جامعه بهائی و اقدام به تبلیغ و خدمات امری. در متن بعضی از این الواح مناجات‌هایی نیز به زبان عربی نازل شده است. این الواح هم‌چنین محتوی تعدادی الواح کوتاه است به افتخار نفوسی که در عرایض تقدیمی جناب ابن ابهر نام برده شده بودند.

علاوه بر الواحی که خطاب به ابن ابهر صادر گردیده، خدمات جناب ابن ابهر در نشر نفعات الله و تحکیم مبانی ایمانی احبّ و ایفای وظایف و مسئولیت‌های خاص مربوط به سمت ایادی امرالله به تکرار در ده‌ها الواحی که حضرت بهاء الله به احبّای الهی نقاط مختلف در ایران ارسال داشته‌اند، مذکور گردیده است. جناب ابن ابهر مخاطب الواح و مکاتیبی از حضرت عبدالبهاء هم بوده‌اند که موضوع سخنرانی جداگانه‌ای خواهد بود. (ترجمه از متن انگلیسی توسط مجمع عرفان)

پیوستگی و گسستگی

دین بهائی و فلسفه اشراق

وحید رأفتی

یکی از بارزترین و با نفوذترین مکاتب فلسفی در عالم اسلام که در قرن دوازدهم میلادی در دامان فرهنگ ایرانی نشأت گرفت و پرورش یافت مکتب اشراق سهروردی است. شهاب‌الدین سهروردی (۱۱۵۵ - ۱۱۹۱ م) که در تاریخ فلسفه